



آمارها می‌گویند در حال حاضر یک‌پنجم معادل ۲۰ درصد زنان سالمند، یعنی ۷۰۰ هزار نفر زن سالمند، تنها هستند اما این آمار در مردان یک‌چهارم زنان است. هر چند ازدواج مجدد در میان سالمندان نسبت به گذشته بیشتر شده است، اما متأسفانه اغلب زنان سالمند به دلیل محدودیت‌های عرفی و سنتی از ازدواج مجدد استقبال نمی‌کنند و آن را تابو می‌دانند، به همین دلیل تعداد زنان سالمند بدون همسر و تنها بسیار بیشتر از مردان سالمند تنهاست

پرونده «جوان» درباره زنانه شدن پدیده سالمندی با نگاهی به آینده

۳ برابر شدن زنان تنهای سالمندا تا ۳۰ سال آینده

دست‌هایش را زیر چانه گره زده و روی عصا تکیه داده است و از پنجره آسیا‌ی‌شگاه به بیرون نگاه می‌کند. رد پای فراز و نشیب‌های عمر رفته بر صورتش خط‌وطی گاه عمیق و گاه کم‌عمق‌تر بر جای گذاشته است. بر موهایش گرد پیری پاشیده و بدنش زیر بار سال‌ها تلاش ضعیف و رنجور شده است. مادر بزرگ که بعد از رفتن همسفر زندگی‌اش سال‌هاست با طعم تلخ تنهایی روزگار می‌گذراند و دیگر هرگز به ازدواج فکر نکرد و حالا

هم که به قول خودش از او گذشته است. روزگارش اما سخت می‌گذرد. او یکی از ۷۰۰ هزار نفر زن سالمند تنهایی است که در ایام پیری و تنهایی باید با فقر هم دست و پنجه نرم کند و در سه دهک پایینی جامعه قرار دارد. اما تحولات جمعیتی کشورمان حاکی از آن است که سیمای آینده جامعه ما با سونامی سالمندی مواجه خواهد شد و طبق روال و یا توجه به امید به زندگی بالاتر در زنان در دو سه دهه آینده زنان تنهای سالمند بخشی از واقعیت تلخ

سونامی سالمند ایران خواهند بود. با تغییر سبک زندگی و افزایش تعداد زنان سالمند مجرد قطعی و مطلقه نیمی‌خ زنان سالمند تنها در ۳۰ سال آینده تغییر خواهد کرد، به گونه‌ای که در ۳۰ سال آینده تعداد زنان تنهای سالمند، سه برابر می‌شود و در میان آنها شمار زنان با مجرد قطعی افزایش پیدا می‌کند. همچنان که همین امروز هم پدیده سالمندی در کشور زنانه شده و سالمندان زن تنها بیشترین سهم سالمندی را به خود اختصاص داده‌اند.

سالمندی مهم‌ترین بخش از مسئله کاهش نرخ باروری و رشد جمعیت است که حتی مخالفان افزایش جمعیت نمی‌توانند این پدیده و چالش‌های ناشی از آن را انکار کنند، به همین خاطر هم است که یکی از ضرورت‌های اصلاح روند رشد جمعیت و برنامه‌ریزی‌های جمعیتی برای مدیریت، پدیده سالمندی در کشور است که طبق آمارهای ارائه‌شده طی دهه‌های آینده به بیش از یک‌سوم جمعیت جامعه خواهد رسید و بر اساس داده‌ها و روال کنونی، پدیده سالمندی در کشور زنانه خواهد بود. همچنانکه امروز هم با زنانه شدن سالمندی مواجهیم. حالا اگر می‌خواهید بدانید زنانه شدن سالمندی یعنی چه؟ برای پاسخ به این سؤال باید سراغ آمارها برویم. بر اساس آمارها در سال ۱۳۹۹ ۱۰۰٪ از زنان سالمند، ۳۰٪ مرد سالمند داشتیم. این پیشی گرفتن زنان سالمند نسبت به مردان سالمند، یعنی سالمندی در ایران زنانه شده است. از همه بدتر اینکه یک‌پنجم از زنان سالمند کشورمان تنها هستند و این مادرزیدگی‌های تنها، دست‌شان به دهان‌شان نمی‌رسد و جزو سه دهک پایینی جامعه هستند.

■ سالمندی زنان در آینده آمار
بر اساس یافته‌های حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، تعداد کل زنان سالمند در کشور، ۳ میلیون و ۷۵۵ هزار و ۶۸۶ نفر است که این مقدار ۹/۵ درصد از کل جمعیت زنان کشور را شامل می‌شود. بر اساس آمار، زنان سالمند ۹/۲ درصد از جمعیت زنان شهری را تشکیل می‌دهند و سهم زنان سالمند روستایی از کل جمعیت زنان روستایی ۱۰/۴ درصد است.

طبق بررسی‌های انجام شده، تنها ۲۸/۲ درصد از زنان سالمند در خانوارهای گروهی و مؤسسه‌ای مانند خانه سالمندان و آسیا‌ی‌شگاه و ۹۹/۷۲ درصد از آنها در خانوارهای معمولی زندگی می‌کنند. از میان کل جمعیت زنان سالمند، تقریباً ۶۰ درصدشان جمعیت فعال

هستند و نرخ بیکاری آنها ۱/۸ درصد است. با توجه به این آمار، اگرچه نرخ بیکاری در این جمعیت بسیار پایین است، ولی نرخ مشارکت اقتصادی برای زنان سالمند کل کشور، حاکی از مشارکت بسیار پایین این قشر در فعالیت‌های اقتصادی است و بیشتر زنان سالمند جزو جمعیت غیرفعال و اکثراً خانه‌دار هستند.

طبق نتایج پژوهش علمی و کاربردی با موضوع «پیامدهای اجتماعی-اقتصادی سالمندان و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد انجام شده است، ۷۱ درصد زنان سالمند تنها درآمدی ندارند و تنها ۲۹ درصد بقیه درآمد دارند و با توجه به افزایش الگوی تنهازیستی در میان زنان سالمند نسبت به مردان که به بیش از چهار برابر مردان سالمند رسیده است، تعداد زنان سالمند مجرد قطعی و مطلقه نیمی‌خ زنان سالمند تنها در ۳۰ سال آینده تغییر خواهد کرد، به گونه‌ای که در ۳۰ سال آینده تعداد زنان سالمند تنها، سه برابر می‌شود و باید با در نظر گرفتن تضمین‌های زبانی و همچنین بودجه کافی برای اجرای اسناد ملی سالمندان در این زمینه اقدام کرد.

■ مادر بزرگ‌های تنها
تنهایی سالمندان از آمارهای ارائه‌شده هم معلوم است. بر اساس آمار، ۲۴/۱ درصد از زنان سالمند در خانواده‌های تک‌نفره زندگی می‌کنند، ۳۵/۶ درصد در خانوارهای تک‌نفره، ۱۹ درصد در خانوارهای سه نفره، ۱۰/۷ درصد در خانوارهای چهار نفره و ۱۰/۶ درصد در خانوارهای پنج نفره و بیشتر زندگی می‌کنند.

نکته جالب این است که ۳۹/۷ درصد از زنان سالمند کشور، سرپرست خانوار هستند؛ بر اساس بررسی‌ها در گروه سنی ۷۵ ساله و بیشتر، ۷۶/۴ درصد زنان سالمند سرپرست خانوار این گروه سنی، در خانوارهای تک‌نفره زندگی می‌کنند و تنهایی سالمندان پدیده‌ای

رو به افزایش است که یکی از اصلی‌ترین دلایل آن هم کاهش رشد جمعیت و تعداد فرزندان است. به عبارت دیگر با کاهش تعداد فرزندان احتمال تنها ماندن والدین در دوران پیری و کپولت افزایش می‌یابد و این مسئله‌ای دور از انتظار نیست. از سوی دیگر مردان حتی در دوران سالمندی در صورت از دست دادن شریک زندگی و تنهایی، شانس بیشتری برای ازدواج دارند و اغلب تمایل خودشان هم بیشتر است. این اساس طبق آمارها ۹۸/۸ درصد از سالمندان حداقل یک‌بار ازدواج کرده‌اند و در بین زنان ازدواج کرده، حدود ۴۱/۵ درصد دارای همسر، ۴۳/۳ درصد بدون همسر بر اثر فوت و ۱/۴ درصد مطلقه هستند.

آمارها می‌گویند در حال حاضر یک‌پنجم معادل ۲۰ درصد زنان سالمند، یعنی ۲۰۰ هزار نفر زن سالمند، تنها هستند اما این آمار در مردان یک‌چهارم زنان است. هر چند ازدواج مجدد در میان سالمندان نسبت به گذشته بیشتر شده است، اما متأسفانه اغلب زنان سالمند به دلیل محدودیت‌های عرفی و سنتی از ازدواج مجدد استقبال نمی‌کنند و آن را تابو می‌دانند، به همین دلیل تعداد زنان سالمند بدون همسر و تنها بسیار بیشتر از مردان سالمند تنهاست، این در حالی است که نرخ ازدواج مجدد در میان مردان سالمند بیش از زنان است.

■ به خانه بخت فرستادن مادر بزرگ‌ها
ازدواج یکی از بهترین راهکارهایی است که می‌تواند سالمندان را از تنهایی نجات دهد و کیفیت زندگی آنها را بهبود بخشد. مردان سالمند تنها اغلب برای ازدواج مجدد مشکلات کمتری دارند. عرف جامعه هم دست این گروه را برای ازدواج مجدد باز گذاشته است، حتی گاهی شاهد آن هستیم که پیرمردان تنها سراغ زنانی بسیار جوان‌تر از خود می‌روند و با آنها ازدواج می‌کنند؛ در مقابل عرف‌های دست و پاگیر اجتماعی دست زنان را برای ازدواج مجدد با ازدواج در سنین بالا بسته است، حتی زنانی که در سنین جوانی به دلایلی نظیر طلاق یا فوت

جمعیت‌بایدار



توجه به میانسالان امروز برای ارتقای کیفیت زندگی سالمندان فردا

■ مهدی نیک‌ضمیر
افزایش هرم سنی جمعیت و حرکت آن به سمت و سوی پیری و سالخوردگی نیازمند تغییر در سیاست‌های تأمین اجتماعی و به‌روزرسانی آن متناسب با شرایط جمعیتی است. این نکته‌ای است که امسال با ابلاغ سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی از سوی رهبر معظم انقلاب مورد توجه قرار گرفت.

با آغاز روند سالخوردگی جمعیت، باید نظام برنامه‌ریزی کشورها به سمت آماده‌سازی ساختارها، نظامات مدیریتی و نظامات خدماتی و اجتماعی حرکت کند تا بتوان جمعیت بالای سالخورده گان و سالمندان را مدیریت کرد. بسیاری از کشورهای دنیا با ورود به فاز سالخوردگی، استنادی تحت عنوان «سند سالمندی فعال» تدوین می‌کنند تا بتوانند از گروه سالمندان هم در اداره کشور و چرخه کار و فعالیت‌های اجتماعی استفاده کنند و این گروه را از ساختار اجتماعی کنار نگذارند. با وجود این فعال بودن و فعال ماندن افراد در دوران سالمندی ارتباط مستقیمی با سبک زندگی آنها در دوران‌های قبلی زندگی دارد. بدیهی است امروز که باید برای دوسه دهه آینده برنامه‌ریزی کنیم با افراد میانسالی مواجهیم که باید برای دهه‌های بعدی زندگی این افراد را سالم و توانمند نگه داریم و کیفیت زندگی آنها را بالا ببریم. بدیهی است افرادی که در دوره‌های قبلی زندگی خود، یعنی در دوران جوانی و میانسالی کیفیت زندگی بالایی نداشته‌اند، در دوران کپولت و سالمندی بیشتر بیمار و به عوارض خاص این دوران همچون بیماری‌ها و از کار افتادگی مبتلا می‌شوند. بر این اساس در کنار برنامه‌ریزی‌های برای افزایش جمعیت و سیاست‌های تشویقی همه‌جانبه برای مجاب کردن گروه‌های مختلف به مسئله رشد جمعیت، لازم است از همین امروز برای مواجهه با گروه سالمندان که مطابق پیش‌بینی‌های آماری طی دو تا سه دهه آینده به چیزی نزدیک یک‌سوم جمعیت کشور افزایش می‌یابد، برنامه‌ریزی‌های دقیق و مدونی داشته باشیم.

در واقع اگر قرار است برای سسر با ماندن صندوق‌های بیمه‌ای و تنظیم ورودی‌ها و خروجی‌های این صندوق‌ها به منظور پیشگیری از ورشکستگی فکری بکنیم، باید برای ارتقای کیفیت زندگی اعضای جامعه که امروز در سنین میانسالی قرار دارند توجه و تأکید ویژه‌ای داشته باشیم.

در حال حاضر به ازای هر شش نفر در سن کار و فعالیت، یک نفر بازنشسته داریم که منبع ورودی این شش نفر نیاز یک نفر بازنشسته را تأمین می‌کند. این در حالی است که تا سه دهه آینده با کار کردن و پرداختن حق بیمه هر دو نفر، دولت باید به یک سالمند مستمری بازنشستگی پرداخت کند.

بر این اساس اصلی‌ترین چالش کشور در دهه‌های پیش رو مسئله سالخوردگی جمعیت است. سالخوردگی جمعیت بر اساس آنچه گفته شد باعث می‌شود نظامات تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی در معرض ورشکستگی قرار گیرند، حتی اگر تا آن زمان هم ورشکست نشده باشند، این موضوع موجب می‌شود بسیاری از ساختارهای اقتصادی کشور متأثر شود، لذا ریسک ورشکستگی تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی معلول علی‌به‌نام سالخوردگی جمعیت و تورم آماری جمعیت سالخورده گان کشور است.

اما برای اقداماتی همچون افزایش سن بازنشستگی فعال نگه داشتن جمعیت سالمند هم باید به کیفیت زندگی و سلامت آنها توجه داشت و این توجه باید حداقل از همین امروز اتفاق بیفتد. واقعیت این است که سالمندان تا دوسه دهه آینده همچون سالمندان امروز خانواده‌های گسترده ندارند و کمتر مورد توجه و مراقبت اعضای خانواده و اطرافیان قرار می‌گیرند و دولت و حاکمیت اگر قرار است از این افراد تا سنین بالاتری برای چرخاندن چرخ‌های کشور استفاده کند، لازم است در برنامه‌ریزی دقیق و مدون، نقش مراقبت‌های خانواده را به عهده بگیرد چرا که به دلایلی همچون بالا رفتن سن ازدواج، مجرد قطعی و همچنین تعداد پایین فرزندان، سالمندان دهه‌های آینده اغلب افرادی نخواهند بود.

بر اساس استانداردهای بین‌المللی، حدود ۳۰ درصد سالمندان نیاز به مراقبت دارند و به ازای هر ۷۰۰ نفر سالمند یک پزشک متخصص طب سالمندان و چهار پرستار متخصص سالمندان نیاز است. مراقبت از سالمندان باید به عنوان یک وظیفه ملی، اجتماعی و خانوادگی تبیین شود. اصلاح نگرش جامعه و خانواده نسبت به سالمندان مسئله مهمی است که به سرانجام رساندن آن وظیفه رسانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی کشور است. با توجه به نیاز بیشتر افراد به خدمات مراقبتی و نگهداری در دوره سالمندی، سازمان‌های بیمه‌گر باید گستره خدمات مرتبط با نگهداری و مراقبت از سالمندان را افزایش دهند. از سوی دیگر در اغلب کشورهای دنیا، افراد بالای ۶۰ یا ۶۵ سال مشمول دریافت مستمری عمومی می‌شوند. در نهایت نباید فراموش کنیم، جمعیت فعال جوان و میانسال امروز همان سالمندان فردا هستند، پس آنچه امروز می‌کاریم، فردا خودمان درو خواهیم کرد.

۹۰ درصد زنان تنهای سالمند فقیرند

اکتون الگوی تنهازیستی در میان زنان سالمند بیش از چهار برابر مردان سالمند است. در یک دهه اخیر تعداد زنان سالمند تنهازیست دو برابر شده است. با تغییر سبک زندگی و افزایش تعداد زنان سالمند مجرد قطعی و مطلقه نیمی‌خ زنان تنهای سالمند در ۳۰ سال آینده تغییر خواهد کرد، به گونه‌ای که در میان آنها شمار زنان با مجرد قطعی افزایش پیدا می‌کند. آنها باسوادتر از زنان سالمند تنهای کنونی هستند، مهارت بیشتری در بهره‌گیری از تکنولوژی دارند و بخش مهمی از شبکه اجتماعی زنان سالمند تنها در ۲۰ سال آینده در فضای مجازی شکل خواهد گرفت. آنها از پایگاه اجتماعی بالاتری برخوردارند، به احتمال زیاد درآمد و وضعیت اقتصادی بهتری دارند، اما به دلیل نداشتن فرزندی یا محدود بودن ابعاد خانواده، حمایت‌های غیررسمی آنها افزایش به دلیل روند فزاینده تنها ماندن افراد سالمند است. در سال ۱۳۹۵ ۲۰٪ تنها ۱۰ درصد خانوارهای کشور سالمندسرپرست بوده‌اند اما با توجه به روند افزایشی سالمندی جمعیت در کشور، نسبت خانوارهای سالمندسرپرست در سال ۱۴۳۰ به ۳۲ درصد، یعنی یک‌سوم کل خانوارهای کشور افزایش خواهد یافت. هم



دکتر میر طاهر موسوی
استاد دانشگاه توانبخشی

امید به زندگی در زنان بیشتر است

۸۰ درصد بدون همسر در اثر طلاق و ۱۰/۷ درصد مجرد هستند. همچنین ۵۴ درصد از زنان سالمند دارای همسر، ۴۴ درصد بدون همسر در اثر فوت، ۱/۴ درصد بدون همسر در اثر طلاق و ۱/۱ درصد مجرد هستند. در این آمارها تفاوت چشمگیری میان جمعیت مردان سالخوردگی متأهل و زنان سالمند متأهل وجود دارد که علت آن به مرگ و میر بالای مردان و اختلاف سنی زوجین در بدو ازدواج بازمی‌گردد. حدود ۸۶ درصد از خانوارهای ایرانی مرد سرپرست حدود ۱۴ درصد (حدود ۳ میلیون نفر) زن سرپرست هستند که از میان حدود ۳ میلیون زن سرپرست، حدود ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از آنها بیش از ۶۰ سال سن دارند، به عبارت دیگر ۸۶ درصد از زنان سرپرست خانوار سالمند هستند که از این میان حدود ۳۶ درصد از آنها تنها زندگی می‌کنند.

بر این اساس در حال حاضر سالمندی در ایران در حال زنانه شدن است.



شیهلا کاظمی پور
جمعیت‌شناس